

کاربست روش شناسی کیو در شناسایی الگوهای ذهنی مردم شهر اصفهان در مورد فرزندآوری

فریده شمس قهفرخی^۱، عباس عسکری ندوشن^۲، حسن عینی زیناب^۳، علی روحانی^۴

شناسه پژوهشگر (آرکید): ۶۱۲X-۷۶۳۶-۷۶۳۶-۰۰۰۰-۰۰۰۰
شناسه پژوهشگر (آرکید): ۷۴۷۶-۹۸۱۵-۷۶۳۶-۰۰۰۰-۰۰۰۰
شناسه پژوهشگر (آرکید): ۳۴X-۶۸۹۵-۷۶۳۶-۰۰۰۰-۰۰۰۰
شناسه پژوهشگر (آرکید): ۶۴۳۶-۹۱۴۶-۷۶۳۶-۰۰۰۰-۰۰۰۰

چکیده

الگوهای ذهنی و نگرشی، از تعیین‌کننده‌های مهم تمایلات و رفتارهای فرزندآوری زوج‌هاست. این مطالعه با به‌کارگیری روش شناسی کیو، درصدد شناسایی دیدگاه‌ها و الگوهای ذهنی رایج در بین مردم شهر اصفهان در مورد فرزندآوری بوده است. برای اجرای مطالعه، با استفاده از مصاحبه‌های عمیق با ۳۰ زن و مرد اعم از مجرد و متأهل با استراتژی نمونه‌گیری تدریجی که مبتنی بر نمونه‌گیری نظری و با حداکثر تنوع است، ۵۷ گزاره استخراج شد. سپس، از ۴۸ مشارکت‌کننده دیگر خواسته شد تا گزاره‌های کیو را در یک توزیع نرمال در مقیاس ۷- تا ۷+ طبقه‌بندی کنند. بر اساس تحلیل نتایج، چهار الگوی ذهنی رایج در جامعه مورد مطالعه به دست آمد که شامل «الگوی ذهنی فرزندآوری معطوف به اقتصاد»، «الگوی ذهنی فرزندآوری رفاه‌طلبانه»، «الگوی ذهنی موافق فرزندآوری» و «الگوی ذهنی مخالف فرزندآوری» بود. شناسایی الگوهای ذهنی به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این امکان را می‌دهد که در مورد سیاست‌های مشوق فرزندآوری، تصمیمات مؤثرتری اتخاذ کنند و از سوی دیگر این سیاست‌ها از سوی مردم که مخاطبین سیاست‌ها هستند، قابل‌پذیرش باشد. پژوهش حاضر، یک مطالعه اکتشافی اولیه در این زمینه است و تحقیقات بیشتری لازم است تا سنخ‌شناسی به‌دست‌آمده را در پیمایش‌های وسیع‌تری به کار بندند.

واژگان کلیدی: روش شناسی کیو، الگوی ذهنی، فرزندآوری، فضای گفتمان، سیاست‌های تشویقی.

۱. دانش‌آموخته دکتری جمعیت‌شناسی یزد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد/ farideh.shams@stu.yazd.ac.ir

۲. دانشیار گروه مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول) / aaskarin@yazd.ac.ir

۳. دانشیار گروه تغذیه، دانشکده علوم تغذیه و صنایع غذایی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران/ hassan.eini@sbmu.ac.ir

۴. دانشیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد/ aliruhani@yazd.ac.ir



مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۳۱

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۲۳۵-۲۱۱

۱. مقدمه و بیان مسئله

تمرکز اولیه مطالعات مربوط به باروری طی نیم قرن اخیر بر درک الگوهای باروری بوده است. مطالعات بسیاری تلاش کرده‌اند سطوح باروری مشاهده شده را بر اساس مدل‌های رفتاری، تعیین‌کننده‌های بلا فصل، مدل‌های اقتصادی-اجتماعی و یا رویکردهای نهادی تبیین کنند (Keskin & Cavlin, 2022). نیات فردی برای فرزندآوری، ازجمله مهم‌ترین پیش‌بین‌ها برای رفتار آینده است (Schoen et al., 1999; Ajzen, 1991).

از دیگر سو، تئوری‌های مختلف در این خصوص، به‌صراحت بیان کرده‌اند که تصمیم به فرزندآوری همراه با عدم قطعیت است. تصمیم افراد در مورد فرزندآوری مانند هر تصمیم دیگری در زندگی، در معرض هزینه و فایده‌هایی است که افراد تحت تأثیر این عدم قطعیت‌ها انجام می‌دهند. تصمیم برای داشتن فرزند در سایه آینده شکل می‌گیرد و پیامدهای این انتخاب هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت وجود خواهد داشت (Bellani et al., 2021). از آنجاکه ذهنیات افراد نگرش و رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد، تمرکز اصلی این نوشتار بر الگوهای ذهنی افراد در خصوص فرزندآوری است.

از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اواخر دهه ۱۹۷۰، باروری در کشورهایی که تقریباً چهارپنجم جمعیت جهان را تشکیل می‌دادند، به‌طور مداوم کاهش یافت (Caldwell, 2004) که ایران نیز از این روند جهانی مستثنا نبوده است. روند تحولات باروری در ایران حاکی از کاهش میزان باروری کل از حدود ۷/۷ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۴۵ (Aghajaniyan & Mehryar, 1999)، به حدود ۷ فرزند در ابتدای دهه ۱۳۶۰ و سپس کاهش به زیر سطح جانشینی (یعنی به حدود ۱/۹ فرزند برای هر زن) در سال ۱۳۸۵ است (Abbasi-Shavazi, McDonald, & Hosseini-Chavoshi, 2009). برآورد اخیر مؤید آن است که شاخص باروری کل، در میانه دهه ۱۳۹۰ به سطح جانشینی (حدود ۲/۱ فرزند به ازای هر زن) افزایش و مجدداً به ۱/۷ فرزند در سال ۱۴۰۰ تنزل یافته است (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۹؛ مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱).

در سطح خرد می‌توان گفت انتخاب‌های مرتبط به فرزندآوری از عوامل مرتبط با ترجیحات فردی نشئت می‌گیرد و ترجیحات فردی برآمده از ذهنیات افراد است (Bellani et al., 2021). درک صحیح از خواسته‌ها و تمایلات ذهنی مردم بر پایه یک شناخت علمی، می‌تواند به پیشبرد و موفقیت سیاست‌های جمعیتی کمک کند. درواقع، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مؤثر می‌باید با توجه به شناخت افراد و توجه به خواست آن‌ها انجام شود.

اگر بر اساس «مدل دانش، نگرش و عمل»^۱ به موضوع فرزندآوری نگاه شود، دانش افراد بر نگرش آن‌ها تأثیر می‌گذارد و نگرش افراد بر عمل آن‌ها تأثیرگذار است. افراد بسته به دانششان نسبت به فرزندآوری، نگرشی مثبت و یا منفی به این مقوله پیدا می‌کنند؛ نگرش مثبت منجر به فرزندآوری و یا فرزندآوری بیشتر و نگرش منفی منجر به بی‌فرزندگی و یا کم‌فرزندگی می‌شود.

۲. پیشینه تجربی

تاکنون مطالعات متعددی در زمینه تمایلات و قصد فرزندآوری در ایران صورت گرفته است. نتایج پژوهش‌ها حاکی است که مشکلات اقتصادی و مشکل در تربیت (خلج‌آبادی‌فراهانی، ۱۳۹۱)، آموزش فرزندان، فردگرایی، نگرانی‌های فرزندپروری و آرمان‌گرایی در تربیت فرزندان (حسینی و بگی، ۱۳۹۱)، اشتغال زنان و پایگاه اجتماعی آن‌ها (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵) و اشاعه ارزش‌ها و هنجارهای باروری پایین (عباسی‌شوازی و حسینی، ۱۳۸۸) از جمله تعیین‌کننده‌های تمایلات باروری به شمار می‌آیند.

عبداللهی و قاضی طباطبایی (۱۳۹۶) به این نتیجه دست یافتند که با افزایش امتیاز عامل تغییر هویت والدینی، ارزش منفی فرزند، اجتناب از تعهدات بلندمدت و ناامنی اقتصادی، بخت فرزندآوری کاهش می‌یافت.

در پژوهش آقاباری‌هیر و همکاران (۱۳۹۵) تغییرات کارکردی خانواده و کم‌تر شدن نقش مادری، پذیرش اجتماعی و نهادینه‌شدن کم‌فرزند، کاهش فشار/حمایت اجتماعی، عبرت‌آموزی نسلی، عرفی‌شدن فرزندآوری، بی‌اعتمادی به سیاست‌های تشویقی و برساخت رسانه‌ای و پزشکی کم‌فرزند، از جمله شرایط تسهیلگر کم‌فرزند شناسایی شده‌اند. مدیری و تنها (۱۴۰۱) به مطالعه تأثیر احساس امنیت بر رفتار ایدئال و قصد فرزندآوری در تهران پرداخته‌اند.

سودربرگ^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، به بررسی نگرش نسبت به باروری و مقیاس‌های فرزندآوری برای زنان سوئدی پرداخته‌اند که هنوز مادر نشده‌اند. سه مؤلفه برآمده از این پژوهش شامل اهمیت باروری در آینده، فرزندآوری به عنوان یک مانع در حال حاضر و هویت اجتماعی بوده است.

لو موگلی^۲ و همکاران (۲۰۱۵)، نقش رفاه ذهنی را بر رفتار باروری مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که رفاه ذهنی یک پیش‌بین مثبت برای هر دو جنس در تصمیم به تولد فرزند دوم است.

بلانی^۳ و همکاران (۲۰۲۱) اثر ترجیح زمانی را بر رفتار باروری در کشور ایتالیا با تمرکز بر نقش ترجیحات تقلیلی زمانی^۴ بر رفتار باروری سنجیدند. بنا بر نتایج این پژوهش، برای افراد خیلی صبور و خیلی بدون صبر احتمال داشتن فرزند اول و یا دوم پایین‌تر از افرادی است که سطح متوسطی از صبوری را دارند. منظور از افراد بدون صبر کسانی است که منافع آنی و کمتر را به منافع بیشتر و بلندمدت ترجیح می‌دهند و افراد صبور منافع بیشتر بلندمدت را به منافع آنی ترجیح می‌دهند.

محمود^۵ (۲۰۰۵) معتقد است ارزش‌های اجتماعی و فرهنگ نقش مهمی در شکل دادن به نگرش زوجین به فرزندآوری دارد و این عوامل نهایتاً بر پیامدهای فرزندآوری تأثیر می‌گذارد.

1. Soderberg

2. Le Moglie

3. Bellani

4. Time discounting preferences

5. Mahmood

مطالعات مختلفی به بررسی نگرش‌ها و تعیین‌کننده‌های باروری پایین پرداخته‌اند، اما مطالعه‌ای که به شناخت ذهنیت افراد در زمینه فرزندآوری و کاربرد آن در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بپردازد، انجام نشده است. از آنجاکه فرزندآوری توسط افراد عادی صورت می‌گیرد و نه سیاست‌گذاران و نخبگان، شایسته است گفتمان و ذهنیت این افراد مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. اینکه مردم چگونه به فرزندآوری فکر می‌کنند، کنش‌های آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش گفتمان مردم مورد بررسی قرار می‌گیرد، با استفاده از ذهن‌کاوی افراد در خصوص فرزندآوری، ذهنیت افراد شناسایی می‌شود و در حقیقت از این طریق، دانش عمومی عامه مردم در زمینه فرزندآوری و الگوهای ذهنی متفاوت به دست می‌آید.

میدان مطالعه حاضر، شهر اصفهان است. بر پایه منابع داده‌ای موجود، میزان باروری کل استان اصفهان در سال ۱۴۰۰ بین ۱/۳ تا ۱/۵ گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). اصفهان هفتمین استان در بین استان‌ها کشور به لحاظ میزان باروری کل پایین است و انتظار می‌رود شهر اصفهان به‌عنوان مرکز استان، باروری پایین‌تری را داشته باشد.

۳. چهارچوب مفهومی

در مطالعه رفتار باروری، تئوری‌های ایده‌ای و نگرشی با اهداف پژوهش حاضر که تلاشی برای شناسایی فهم‌ها و ذهنیت‌هاست، پیوند نزدیکی دارند. به‌طور مشخص، تئوری‌های ایده‌ای اهمیت عوامل ذهنی مانند ایده‌ها و نگرش‌های افراد در جهت خانواده و شیوه زندگی را بیشتر از شرایط ساختاری و مادی در رفتارهای جمعیتی تعیین‌کننده می‌دانند.

بر مبنای تئوری‌های ایده‌ای، افراد در جوامع مختلف بر اساس ارزش‌ها و باورهایشان عمل می‌کنند و ارزش‌ها و باورها هستند که کنش‌های افراد را جهت می‌دهند. به این جهت، رفتارهای باروری و ازدواج همسو با ارزش‌ها، ذهنیت‌ها و باورها تنظیم می‌شود. این گروه از تبیین‌ها، به‌جای دیدن الگوهای ازدواج و باروری به‌عنوان پیامدی از شرایط اقتصادی مانند هزینه و درآمد، معتقدند گذاری در تشکیل خانواده و والدینی در کشورهای توسعه‌یافته رُخ داده که مرتبط با عوامل ذهنی و انگیزشی مانند ارزش‌ها و نگرش‌هاست (Aassve et al., 2013).

یکی از چهارچوب‌های تئوریک مورد استفاده در پژوهش‌های اخیر پیرامون باروری، نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده است (Dommermuth et al., 2015). این نظریه، یک مدل روان‌شناختی اجتماعی است که برای توضیح یا پیش‌بینی رفتار استفاده می‌شود (Ajzen, 1991) و قصد فردی را عامل تعیین‌کننده برای انجام یک رفتار معین می‌داند. اصل اساسی در تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده این است که انتظارات فعلی، بهترین پیش‌بینی‌کننده کنش و رفتارهای آینده است (Ajzen, 1991). شکل‌گیری قصد، مبتنی بر مجموعه‌ای از باورها است که سه مؤلفه تشکیل‌دهنده آن عبارت‌اند از: نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک‌شده. ویژگی‌های فردی (مانند تحصیلات، ارزش‌ها و...) یا عوامل و محدودیت‌های واقعی (مانند وضعیت درآمد کم) ممکن است این سه مؤلفه و تفاوت‌های فردی و اجتماعی آن را تحت تأثیر قرار دهند (Dommermuth et al., 2015).

تئوری دگرگونی و تحول ارزشی اینگلهارت، از نظریاتی است که در پی فهم چگونگی و چرایی تغییرات فرهنگی و ارزشی و نگرش‌ها در جوامع مختلف است. اینگلهارت دو فرض را برای بررسی دگرگونی ارزشی بیان می‌کند: نخست، فرضیه کمپابی که اولویت‌های فرد بازتاب محیط اقتصادی و اجتماعی خودش است، به‌نحوی که فرد بیشترین ارزش ذهنی را برای آن چیزهایی قائل است که عرضه آن کم است؛ دوم، فرضیه اجتماعی شدن که در آن فرد ارزش‌های مهم خود را که منعکس‌کننده شرایط و فرآیند جامعه‌پذیری اوست، در سال‌های قبل از بلوغ تجربه کرده است. به باور اینگلهارت، تغییرات ارزشی روندی است که از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند. اشاعه رسانه‌های جمعی منجر به تغییر ارزش‌ها شده است؛ به‌نحوی که در عصر حاضر، جهانی شدن، ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزش‌های نسلی تأثیر گذاشته‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۲۲).

تئوری گذار دوم جمعیتی، چهارچوب دیگری است که بر نقش تغییرات نگرشی و فرهنگی در شکل دادن به ایدئال‌های فردی درباره خانواده و تبیین تحولات جمعیتی تأکید دارد (Lesthaeghe & Surkyn, 2012; Van de Kaa, 1987, Van de Kaa, 2001; Lesthaeghe, 2010, 2020). بر اساس این نظریه، تغییر در هنجارها و ارزش‌های مرتبط با تعداد فرزندان، تغییر در نگرش‌های خانوادگی، رقابت شدید در بازار کار، تغییر در اهداف و اولویت‌ها، همه با انتقال در ارزش‌ها و تأکید بر خودمحوری افراد و افزایش گسترده در تحصیلات بالاتر و تغییر نقش‌های جنسیتی مرتبط است. کاهش باروری و رسیدن به باروری زیر سطح جانشینی، با تغییرات در ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها همراه شده است (Lesthaeghe, 2010). محققانی که در چهارچوب این تئوری به مطالعه باروری می‌پردازند، تمرکز بیشتر را روی ذهن افراد قرار می‌دهند تا رفاه اقتصادی، درآمد و منابع مادی (Van de Kaa, 2002).

در کنار تئوری‌هایی که بر اهمیت نقش تغییرات ذهنی و نگرشی به‌عنوان زیربنایی‌ترین عامل تغییرات باروری تأکید دارند، گروهی از تبیین‌ها از قبیل تئوری‌های اقتصادی نیز ضمن توجه نسبی به علائق و ترجیحات افراد، نقش تعیین‌کننده عوامل مادی و اقتصادی را مهم‌تر می‌بینند. از نظر بکر (۱۹۹۱)، رفتارهای باروری یک زیربنای اقتصادی دارد و افراد به فرزند به‌عنوان یک کالای بادوام نگاه می‌کنند. وی استدلال می‌کند که یکی از مؤلفه‌های اصلی هزینه فرزندان، هزینه زمان مادر است؛ بنابراین با افزایش دستمزد زنان، هزینه‌های کودکان افزایش می‌یابد که منجر به کاهش باروری یا تأخیر در آن می‌شود.

بکر و لوئیس (۱۹۷۳) در ارتباط با کنش متقابل بین کمیت و کیفیت کودکان بیان می‌کنند که در رفتار مصرف، این احتمال وجود دارد که به‌جای افزایش تقاضا برای کالاهای سطح پایین‌تر، افزایش سطح درآمد باعث افزایش تقاضا برای کالاهای برتر شود. در مورد رفتار فرزندآوری، والدین با درآمد بالاتر ممکن است فرزندان بیشتری نخواهند. در عوض، ممکن است برای هر کودک پول بیشتری خرج کنند تا کیفیت فرزندان را بالا ببرند. با توجه به این تغییر از کمیت به کیفیت، افزایش درآمد همیشه منجر به افزایش تعداد فرزندان یک زوج نمی‌شود (Butz & Ward, 1979; Mincer, 1963).

نظریه اجتناب از خطر و ریسک‌گریزی، بسط این فرض است که در داشتن فرزند، افراد تصمیم می‌گیرند مسیر زندگی آینده خود را تغییر دهند و تصمیم آن‌ها به جهت‌گیری آینده آن‌ها و در نتیجه هزینه و منافع آینده

بستگی دارد. اگر مردم تصور کنند که آینده اقتصادی، اجتماعی یا شخصی آن‌ها در خطر است، ممکن است برای جلوگیری از این خطر تصمیم بگیرند که بچه‌دار نشوند. در نتیجه، مردم در امنیت اقتصادی (آموزش، وابستگی به نیروی کار، ساعات طولانی کار، پس‌انداز) سرمایه‌گذاری می‌کنند تا در ناامنی فرزندان این دیدگاه نظری حاکی از آن است که جامعه‌ای که هزینه‌های کودکان را جبران نمی‌کند، ناگزیر فرزندان کمتری خواهد داشت (McDonald, 2000). در این مطالعه از برخی نظریات ایده‌ای و نگرشی، نظریه‌های اقتصادی و همچنین نظریه اجتناب از خطر، برای دستیابی به فهم بهتر از الگوهای ذهنی و تفسیرهای افراد از تصمیم‌های رفتاری فرزندان استفاده شده است.

۴. روش‌شناسی

جدول شماره ۱: مراحل اجرای مطالعه

گام‌های پژوهش	فرآیند اجرایی پژوهش
گام ۱: تعریف فضای گفت‌وگو	تدوین مصاحبه‌نامه ← انتخاب مشارکت‌کنندگان (به تعداد ۳۰ نفر) ← انجام مصاحبه عمیق ← استخراج یافته‌های اکتشافی و اولیه تحقیق ← تحلیل آن‌ها
گام ۲: تقلیل حجم داده‌ها و انتخاب گزاره‌ها	اجرای فرآیند تقلیل حجم یافته‌های مستخرج از مصاحبه‌های عمیق به ۷۵ گزاره (هر گزاره روی یک کارت نوشته می‌شود و به صورت تصادفی شماره‌گذاری می‌شود)
گام ۳: انتخاب نمونه مشارکت‌کنندگان برای طبقه‌بندی گزاره‌ها	انتخاب نمونه در بخش کیو (q-sample) شامل ۴۸ مشارکت‌کننده به منظور طبقه‌بندی ۷۵ گزاره استخراج‌شده
گام ۴: اولویت‌بندی و مرتب‌سازی گزاره‌ها بر روی پیوستار توسط مشارکت‌کنندگان	چیدمان کارت-گزاره‌ها بر اساس نظر و دیدگاه فردی هر مشارکت‌کننده بر روی پیوستار ← ثبت و ضبط ماتریس داده‌ها
گام ۵: تحلیل و تفسیر و مشخص کردن خوشه‌هایی از افراد با دیدگاه‌ها و الگوهای ذهنی همانند	پردازش آماری و نرم‌افزاری نتایج تحقیق به کمک بسته‌های نرم‌افزاری اکسل، R، پکیج qmethod ← تحلیل و تفسیر یافته‌ها و مشخص کردن الگوهای ذهنی مسلط

در این پژوهش از روش کیو برای شناسایی الگوهای ذهنی رایج در جامعه مورد مطالعه در مورد فرزندآوری استفاده شده است. روش شناسی کیو، پایه‌ای برای مطالعه نظام‌مند ذهنیت، دیدگاه، عقاید، نگرش‌ها و... است (Brown, 1993). کیو یک روش شناسی متمایز است (Ramlo & Newman, 2011; Stenner, Watts, & Worrell, 2007) که تحلیل‌های کمی و کیفی را توانمند به کار می‌گیرد تا فهم کامل‌تری از دیدگاه‌ها و رجحان‌های افراد را آشکار سازد (Brown, 2005).

جدول شماره ۱، مراحل پنج‌گانه به‌کارگیری روش کیو را در پژوهش حاضر نمایش می‌دهد. انجام مطالعه کیو، شامل پنج گام به شرح زیر است: ۱. تعریف فضای گفتمان؛ ۲. تقلیل حجم داده‌ها و استخراج گزاره‌ها (یا توسعه نمونه q)؛ ۳. انتخاب نمونه مشارکت‌کنندگان برای ارزیابی و طبقه‌بندی گزاره‌ها (یا انتخاب مجموعه p)؛ ۴. اولویت‌بندی و مرتب‌سازی گزاره‌ها بر روی پیوستار (یا طبقه‌بندی q)؛ ۵. تحلیل و استخراج خوشه‌هایی از افراد با دیدگاه‌ها و الگوهای ذهنی همانند.

گام ۱. روشن‌شدن فضای گفتمان پژوهش و استخراج گزاره‌ها

برای رسیدن به گزاره‌های مناسب با حداکثر تنوع، در مرحله اول می‌باید گفتمان مرتبط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین از تکنیک مصاحبه عمیق با مشارکت‌کنندگان استفاده شد تا ضمن روشن‌شدن فضای کلی حاکم بر گفتمان پژوهش، گزاره‌های مهمی که قرار است در گام‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرند، استخراج شوند. برای این منظور، از استراتژی نمونه‌گیری تدریجی که عموماً مبتنی بر «نمونه‌گیری نظری»، هدفمند و با حداکثر تنوع بوده است، کمک گرفته شد.

تعداد مشارکت‌کنندگان تا جایی اضافه شد که اشباع نظری اتفاق افتاد و داده جدیدی به داده‌ها اضافه نشد. در این فاز از پژوهش، با ۳۰ مرد و زن مجرد و متأهل شهر اصفهان در بازه سنی ۲۶ تا ۵۰ مصاحبه عمیق صورت گرفت. تعداد ۱۴ نفر مرد و ۱۶ نفر زن، در مصاحبه شرکت کردند که از نظر وضعیت زناشویی، ۹ نفر مجرد، ۲۰ نفر متأهل و یک نفر مطلقه بود. تحصیلات مشارکت‌کنندگان، از ابتدایی تا سطح دکترا بود و در زمینه‌هایی مانند مشاغل کارمندی، شغل آزاد، خانه‌داری و... فعالیت داشتند.

گام ۲. تقلیل حجم یافته‌ها و انتخاب گزاره‌هایی با حداکثر تنوع

دومین گام در اجرای تحقیق، تقلیل حجم یافته‌ها به تعدادی گزاره منتخب است. این گزاره‌ها باید از ویژگی حداکثر تنوع برخوردار باشند تا بتوانند هرچه بیشتر ابعاد و زوایای گوناگون حاکم بر فضای گفتمان (گام ۱) را نمایندگی کنند. برای این منظور، ابتدا تعداد زیادی گزاره از متن مصاحبه‌ها استخراج و سپس گزاره‌های شبیه، تکراری و مبهم حذف شد تا نهایتاً ۷۵ گزاره به دست آمد.^۲

۱. دلیل انتخاب افراد مجرد در پژوهش حاضر این بود که برای پژوهشگران به‌دست آوردن الگوی ذهنی افراد مختلف در جامعه ازجمله مجردها نیز حائز اهمیت بود. بر پایه این استدلال که مجردها، ایده‌ها و ذهنیاتی در مورد آینده و ترجیحات فرزندآوری خود در ذهن دارند، در نمونه تحقیق حاضر در نظر گرفته شدند.

۲. در روش کیو، فرآیند انتخاب گزاره‌ها از فضای گفتمان تحت عنوان توسعه مجموعه q (و یا نمونه کیو) شناخته می‌شود.

گزاره‌های منتخب در صورت لزوم و ویرایش و هرکدام روی یک کارت مجزا نوشته شد و به‌طور تصادفی یک عدد به هر گزاره-کارت اختصاص یافت. کارت‌ها همراه با نمودار کیو در اختیار ۴۸ نفر مشارکت‌کننده به‌منظور مرتب‌سازی (طبقه‌بندی) قرار گرفت.

گام ۳. انتخاب نمونه مشارکت‌کنندگان

به‌منظور فراهم آوردن مجموعه p بر اساس ادبیات اخیر، توصیه شده است این مجموعه متشکل از افراد آشنا با موضوع مورد مطالعه باشد و این افراد نظراتی در خصوص آن داشته باشند (DeWeese, 2012). نمونه p تصادفی نیست (Van Exel & de Graaf, 2005)، بلکه نمونه‌ای ساختاریافته از مشارکت‌کنندگان است که به لحاظ نظری با موضوع مورد بررسی مرتبط هستند؛^۱ به‌عنوان مثال، افرادی که انتظار می‌رود دیدگاه روشن و متمایز در مورد مسئله مورد بررسی داشته باشند (Brown, 1980).

جدول شماره ۲: ساختار نمونه مشارکت‌کنندگان (p-sample)

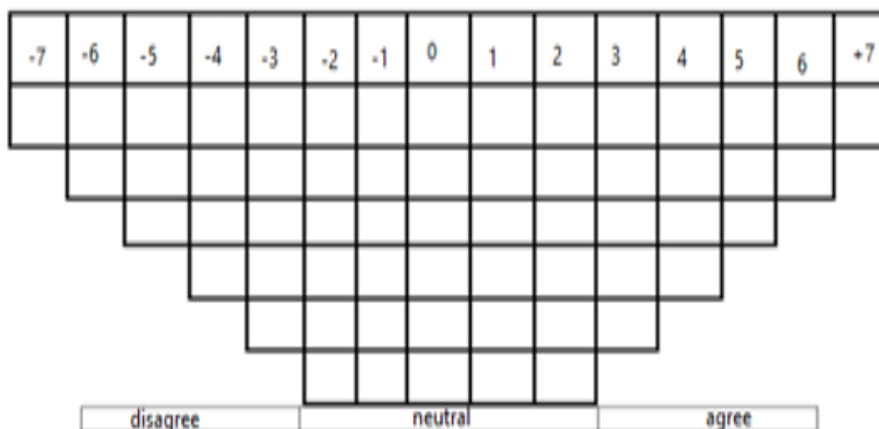
متغیرها	طبقات	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۵	۵۲/۰
	زن	۲۳	۴۸
	مجرد	۱۳	۲۷/۰۸
وضعیت تأهل	متأهل (بدون فرزند)	۱۵	۳۱/۲۵
	متأهل (دارای فرزند)	۱۸	۳۷/۵
	مطلقه (بدون فرزند)	۲	۴/۱۷
	مطلقه (دارای فرزند)	۰	۰
تحصیلات	ابتدایی	۴	۸/۳۴
	دیپلم	۱۰	۲۰/۸۳
	کاردانی	۵	۱۰/۴۱
	کارشناسی	۲۲	۴۵/۸۴
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۷	۱۴/۵۸
شغل	شغل آزاد	۱۴	۲۹/۱۶
	دانشجو	۶	۱۲/۵
	خانه‌دار	۹	۱۸/۷۵
	کارمند	۱۵	۳۱/۲۵
	بیکار	۴	۸/۳۴
	-	۴۸	۱۰۰/۰
تعداد نمونه		۴۸	۱۰۰/۰

۱. این مرحله در روش کیو تحت عنوان انتخاب مجموعه p (و یا نمونه پی) شناخته می‌شود.

برای این منظور، لازم بود تعداد محدودی مشارکت کننده که از لحاظ نظری با موضوع پژوهش و مسئله مورد بررسی مرتبط هستند، نمونه گیری شوند. در پژوهش حاضر، انتخاب مشارکت کنندگان برای این گام از پژوهش، با نمونه گیری هدفمند از بین افرادی با خصوصیات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مختلف انجام شد. جدول شماره ۲، خصوصیات ۴۸ نفر مشارکت کننده در این گام را نشان می دهد؛ افرادی که انتظار می رود دیدگاه روشن و متمایز در مورد مشکل داشته باشند و در آن کیفیت ممکن است یک عامل را تعریف کنند (Brown, 1980).

گام ۴. اولویت بندی و مرتب سازی گزاره ها (طبقه بندی کیو)

در این گام، پس از درج گزاره ها بر روی کارت ها (هر کارت شامل یک گزاره است)، یک شماره تصادفی به هر کارت-گزاره اختصاص داده شد. آنگاه، از مشارکت کنندگان خواسته شد کارت-گزاره ها را با توجه به دستورالعمل های راهنما چیدمان و مرتب سازی کنند. چیدمان کارت-گزاره ها بر اساس نظر و دیدگاه فردی هر مشارکت کننده در مورد موضوع انجام می شود؛ به نحوی که مشارکت کنندگان با درجه بندی گزاره ها در یک پیوستاری که از دامنه ۷- (بیشترین مخالفت) تا ۷+ (بیشترین موافقت) را دربرمی گرفت، کارت ها را بر روی یک صفحه نمره توزیع می کردند. صفحه نمره، یک پیوستار با درجه بندی از بیشترین مثبت تا بیشترین منفی است و شکلی شبیه به یک توزیع نرمال دارد (شکل شماره ۲).



شکل شماره ۲: نمودار طبقه بندی کیو

بعد از مرتب سازی توسط مشارکت کنندگان، ماتریس داده ثبت می شود. برای این کار، از نمودار کامل شده مشارکت کننده عکس گرفته شد. با توجه به اهمیت خاص گزاره های کاملاً مخالف (۷-) و کاملاً موافق (۷+) در ماتریس داده ها و تحلیل آن، از مشارکت کنندگان سؤال شد چرا گزاره ای را برای آن خانه انتخاب کرده و در آن قرار داده اند.

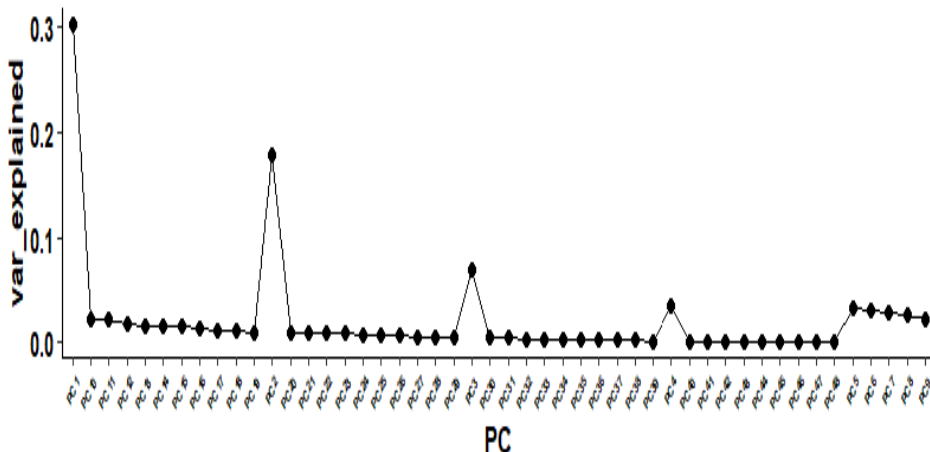
گام ۵. تحلیل و تفسیر

پس از مرتب‌سازی گزاره‌ها، از تحلیل عامل اکتشافی استفاده می‌شود. تحلیل عاملی بر اساس متغیر، ویژگی و یا گزاره‌ها انجام نمی‌شود، بلکه تحلیل عامل برحسب افراد انجام می‌شود. به عبارت دیگر، در این رویکرد، افراد با دیدگاه‌های مشابه، با یکدیگر همبستگی خواهند داشت و این منجر به مشخص شدن خوشه‌هایی از افراد می‌شود که دیدگاه‌ها، احساسات و تجارب مشابه در مورد موضوع پژوهش نشان داده‌اند. در مطالعه حاضر، پس از مرتب‌شدن گزاره‌ها توسط مشارکت‌کنندگان بر روی نمودار، داده‌ها ثبت شدند. سپس به منظور استفاده در برنامه R، ابتدا وارد اکسل و در ادامه با استفاده از بسته "qmethod" تحلیل شدند.

۵. یافته‌ها

محاسبه الگوهای ذهنی، مرتبط با یک موضوع و یا یک پدیده، نیازمند تحلیل عامل است. مرحله تحلیل داده‌ها در روش‌شناسی کیو (و یا به بیان تحلیل طبقه‌بندی کیو) کاملاً فرآیند عینی تکنیکال است و گاهی از آن به عنوان مبنای علمی کیو یاد می‌شود (Brown, 1993). در این مرحله، نوبت به تصمیم‌گیری در مورد تعداد عوامل می‌رسد که در این پژوهش درواقع تعداد الگوهای ذهنی ما هستند. در پژوهش حاضر نمودار سنگریزه^۱ بر اساس واریانس تبیین‌شده، چهار عامل را مشخص می‌کند. این چهار عامل درواقع چهار الگوی ذهنی در ارتباط با فرزندآوری را نشان می‌دهند.

Scree plot: PCA on scaled data



شکل شماره ۳: نمودار سنگریزه

جدول شماره ۳، اطلاعاتی را در مورد عوامل چهارگانه به دست آمده از نتایج تحلیل عامل نشان می دهد. به عنوان مثال، عامل اول (عامل A) پانزده متغیر (فرد) را در بر می گیرد، عامل B در بر دارنده ۱۶ متغیر، عامل C شامل ۷ متغیر و عامل D شامل پنج متغیر است. شاخص درصد واریانس تبیین شده بیانگر آن است که عامل اول، ۱۹/۶ درصد، عامل دوم ۱۶/۴ درصد و عامل های سوم و چهارم به ترتیب ۱۰/۹ و ۷/۸ درصد از واریانس متغیرها را تبیین می کنند. در مجموع ۵۴/۷ درصد از واریانس توسط این چهار عامل تبیین می شود. اطلاعات جدول شماره ۳ همچنین شاخص پایایی ترکیبی^۱ را نشان می دهد که معیاری برای اندازه گیری سازگاری درونی سنجه های مقیاس است. این شاخص از نظر کارایی شبیه آلفای کرونباخ است. نمایر^۲ و همکاران (۲۰۰۳)، بیان می کنند که برای یک ساختار با تعریف محدود با پنج تا هشت مورد برای رسیدن به حداقل آستانه ۰/۸۰ «معقول» است. در این مطالعه پایایی ترکیبی هر یک از عوامل، بالاتر از ۰/۸ به دست آمده است.

جدول شماره ۳: ویژگی عوامل استخراج شده از تحلیل عامل

ویژگی ها	عامل A	عامل B	عامل C	عامل D
تعداد متغیرهای (افراد) بارگذاری شده بر هر عامل	۱۵	۱۶	۷	۵
مقدار ویژه	۹/۳۹	۷/۸۶	۵/۲۱	۳/۷۳
درصد واریانس تبیین شده	۱۹/۶	۱۶/۴	۱۰/۹	۷/۸
خطای استاندارد نمره عوامل	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۱۹	۰/۲۴
شاخص پایایی ترکیبی	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۲

یکی از جنبه های مهم تحلیل کیو، خود آرایه های عوامل (مطابق جدول شماره ۴) است. این جدول رتبه بندی هایی را نشان می دهد که به هر آیتم در هر یک از عامل ها (که نمونه ای از پیکربندی های مرتب سازی Q یا آیتم هستند)، اختصاص داده شده است. وظیفه تفسیر در روش کیو، شامل تولید یک سلسله خلاصه گزارش است که هر یک از دیدگاه های بیان شده از سوی عوامل خاص را روشن کنند. این گزارش ها با ارجاع دقیق به موقعیت قرارگیری آیتم ها در آرایه های عامل مربوط، ساخته می شوند. استفاده از اعداد کامل سودمند است، زیرا امکان مقایسه آسان تر بین آرایه های عاملی را فراهم می کند.

1. Composite reliability

2. Netemeyer

آرایه‌های عاملی به محقق اجازه می‌دهد فرآیند تفسیر داده‌ها و توسعه موضوع را آغاز کند. با بررسی آرایه‌ها، می‌توان تعیین کرد کدام عبارات بین عوامل متفاوت و کدام عبارات مشابه هستند. عباراتی که در دو سر پیکربندی یا طبقه‌بندی گزاره‌ها در عوامل هستند، بیشترین نقش را در روشن شدن تفاوت‌ها بین عوامل (که در اینجا الگوهای ذهنی مسلط جامعه ما هستند) ایفا می‌کنند.

جدول شماره ۴: گزاره‌های مرتب‌شده توسط مشارکت‌کنندگان و نمره‌های ایدئال شده از ۷- تا ۷+ برای هر عامل

عامل A: فرزندآوری معطوف به اقتصاد	عامل B: فرزندآوری رفاه‌طلبانه	عامل C: موافقان فرزندآوری	عامل D: مخالفان فرزندآوری	گزاره‌ها
-۱	۴	-۶	۷	در شرایط کنونی، الزام و ضرورتی به داشتن بچه نیست
۲	-۳	-۳	۲	من از ترس شکست در پذیرش نقش پدری/مادری، بچه نمی‌آورم
-۲	۶	۰	-۱	اطمینانی به حرف‌های رسانه ندارم
-۴	-۲	-۷	۴	بچه مانع زندگی ایدئال می‌شود
۱	۶	۱	-۲	تبلیغات در مورد فرزندآوری یک جور روراست نبودن با مردم است
-۳	-۵	۵	-۶	باید فرزند داشته باشیم تا نسلمان ادامه پیدا کنه
۴	۴	۳	۲	باید خودم را از همه لحاظ ارتقا دهم و بعد فرزندى به این دنیا بیاورم
-۲	-۵	۴	-۲	در خانواده‌های پرجمعیت رشد شخصیت کودک بهتر اتفاق می‌افتد
-۳	۳	-۲	-۱	مردم آن‌قدر افسرده‌اند که حوصله خودشان را هم ندارند، چه برسه به فرزند
-۶	-۷	۲	-۵	برای فرزند داشتن خیلی مسئله مالی مطرح نیست، اون را خدا می‌رسونه
-۱	-۶	۵	-۵	اگر وضعیت بهتر بشه، می‌تونم به دو تا سه تا فرزند فکر کنم
-۵	-۴	۲	-۳	پُرتوقع بودن دخترها، باعث شده ازدواج و فرزندآوری کم بشه
۶	۲	-۱	۶	افرادی که حس مسئولیت‌پذیری دارند، به خاطر همین حس، سراغ بچه‌دارشدن نمی‌روند
۶	۱	-۱	۱	فرزندآوری یک نگاه ۲۰ ساله است، ببین می‌تونى تا ۲۰ سال آینده را تأمین کنی؟ بعد فرزند بیار
۵	۴	۳	۴	فرزندنیاموردن متأثر از ناامیدی نسبت به آینده است
۰	۶	۰	۱	دولت مستقیم در فرزندآوری دخالت نکند

عامل D: مخالفان فرزندآوری	عامل C: موافقان فرزندآوری	عامل B: فرزندآوری رفاه طلبانه	عامل A: فرزندآوری معطوف به اقتصاد	گزاره‌ها
۰	۱	۶	۱	قبول حرف‌های (مشوق‌های) دولت در مورد فرزندآوری سادگی است
-۳	-۱	-۱	-۱	افراطی که در گذشته در فرزندآوری بوده، باعث تفریط الآن شده است
۳	-۱	۰	۰	هرچه تعداد بچه بیشتر باشه، تعارض هم در خانواده بیشتر می‌شه
۳	-۳	۷	۱	شرایط اجتماعی و فرهنگی و شرایط سلامتی برای بچه‌دارشدن مهیا نیست
۴	-۵	۰	-۱	این روزها که یه روز جنگ، یه روز مریضی و ویروسه، بچه برای چی بیاد؟
-۴	۰	-۶	-۴	برای من حرف علمای دینی مهمه، حرفشان را در مورد فرزندآوری می‌پذیرم
-۴	۷	-۳	-۲	نداشتن بچه در آینده برای والدین تبدیل به یک حسرت می‌شه
۲	۴	۲	۵	مسکن و سرپناه داشتن برای فرزندآوری ضروری است
-۳	۶	-۳	-۲	در دوران پیری به فرزند نیاز خواهی داشت
۰	۲	۵	۱	اطمینانی به برنامه‌های دولت نیست
۲	-۳	۳	۴	اگر تعداد فرزند بالا بره، کیفیت پایین می‌آید
-۲	۳	-۵	-۲	برای تشویق به فرزندآوری، دولت باید روی عرق ملی کار کند
۱	-۲	۵	۰	دولت سیاهی لشکر می‌خواهد
-۲	۵	-۱	۲	دو تا فرزند خوب است، چون بچه تنها نباشد
-۳	۷	-۲	-۱	داشتن بچه باعث استحکام بنیان خانواده می‌شود
-۷	۱	-۶	-۷	من حس می‌کنم در جامعه ما تا ۴ تا فرزند می‌توان داشت
۵	-۲	۰	۴	کسی که آگاهی بیشتری داره، ترس بیشتری داره و اونیه که آگاهی کمتر داره راحت‌تر سراغ فرزندآوری می‌ره
-۱	-۵	۱	۱	بچه بیشتر از یکی، نه و قتش را داری و نه هزینه‌هاش را می‌تونی
-۵	۴	-۱	-۱	اگر اوضاع اجتماعی و اقتصادی درست بشه، من سه تا فرزند می‌آورم
-۱	-۱	۲	۰	هزینه‌بر بودن آموزش باعث ترس از فرزندآوری می‌شه
۱	-۴	۳	-۳	نمی‌خوام بچه‌ام تو این مملکت با این افکار بزرگ بشه

عامل D: مخالفان فرزندآوری	عامل C: موافقان فرزندآوری	عامل B: فرزندآوری رفاه طلبانه	عامل A: فرزندآوری معطوف به اقتصاد	گزاره‌ها
۰	۱	۱	۲	نظام آموزشی ناکارآمد که منجر به کشف استعداد نمی‌شود، خودش یکی از ترس‌های من برای فرزندآوری است
۵	-۴	-۲	-۳	وقتی بچه داری، نمی‌تونی وقتی برای فراغت و تفریح خودت داشته باشی
۵	-۷	-۳	-۵	بچه حتی یک دونه‌اش هم زیاده
-۳	-۲	۵	-۲	من اگر امروز خارج از ایران بودم، بچه‌دار می‌شدم یا نه؟ قطعاً می‌شدم
۲	-۳	۱	۵	اونی که وضع مالی خوبی داره، بیشتر از بقیه آگاه هست که پارامترهای اقتصادی شکننده هستند و بنابراین بچه کمتر می‌آره
۷	-۴	۳	-۳	آدم‌ها تصمیم می‌گیرند بچه‌دار نشوند و به بدبخت به بدبخت‌ها اضافه نکنند
۱	۴	۲	۴	دخالت دولت زمانی تأثیر داره که صفر تا صد بچه را تأمین کند
۰	۱	۳	۳	سیاست‌های تشویقی جواب نمی‌ده، چون تأمین منابع مالیش با توجه به شرایط کشور امکان‌پذیر نیست
-۴	۳	-۴	-۳	اگر حمایت‌ها طوری باشد که از دغدغه‌های فکری آدم کاسته بشه و شرایط باشه، سه تا چهار فرزند را می‌شه آورد
۳	۰	۶	۲	بچه‌دار شدن یک مسئله شخصی است، نه پدر و مادر زوجین و نه دولت حق دخالت در این مورد را ندارند
۰	-۲	۲	۳	اگر وضع اقتصادی بهتری داشته باشم، باز هم برای همین یک فرزند سرمایه‌گذاری می‌کنم
-۷	۶	-۴	-۴	مردم ما ده سال دیگه متوجه می‌شوند که دوتا بچه کم بوده است
۳	-۲	-۱	۲	مردم بچه می‌آورند چون احساسی بهش نگاه می‌کنند نه منطقی
۲	۱	۰	۴	تو این خونه‌ها و آپارتمان‌های کوچک نمی‌شه دویا سه تا بچه داشت
-۶	۲	-۵	-۶	علی‌رغم شرایط بد اقتصادی، این از خودگذشتگی را داشته باشیم و فرزندآوری داشته باشیم
۲	۲	۱	۵	ما باید برای سال‌به‌سال بچه برنامه داشته باشیم
-۱	۴	۳	۱	افسارگسیختگی جامعه امروز، افراد را برای فرزندآوری دچار تردید می‌کنه
-۶	۵	-۴	-۵	ما با بچه‌دار نشدن، به نسل‌های آینده ضرر می‌زنیم
-۳	-۳	-۲	-۴	الآن جوان‌ها به لحاظ جسمی توانایی آوردن بچه بیشتر را ندارند

عامل D: مخالفان فرزندآوری	عامل C: موافقان فرزندآوری	عامل B: فرزندآوری رفاه طلبانه	عامل A: فرزندآوری معطوف به اقتصاد	گزاره‌ها
-۵	-۱	-۷	-۷	باید بچه زیاد بیاوریم که سرباز امام زمان باشد و پشت و پناه رهبر
۶	-۶	۲	-۶	فرزندآوری در ایران بی مسئولیتی است
-۲	۶	-۳	-۲	خدا هرکسی را که بهش زندگی می‌ده، روزی هم می‌ده
۶	۰	-۱	۲	من چطور برای به دنیا آمدن یک انسان تصمیم بگیرم، صرف اینکه خودم احساس مادر (پدر) بودن را تجربه کنم؟
-۲	-۲	۰	۳	خوبه که خدا اول نان بدهد و بعد دندان
۱	۳	۴	۳	مادامی که معیشت مردم تأمین نشه، هر سیاستی محکوم به شکست است
-۱	۰	-۲	۰	ناامنی های جامعه و انتشار اخبار در این مورد، باعث شده به بچه آوردن فکر نکنم
۴	۰	۲	۷	فرزندآوری در شرایط نامساعد مالی حماقت است
-۲	-۱	۴	۰	علمای دینی هم امنیت شغلی دارند و هم وضع مالی خوب، حرفشان در مورد فرزندآوری بی اثر است
۰	-۵	۰	۶	می‌خواهم از نظر اقتصادی فرزندم در رفاه باشه، اینکه خواهر یا برادر نداشته باشه، مهم نیست
-۱	-۴	-۲	۱	نگران تنهایی فرزندم می‌شم، ولی نه در حدی که بخوام بچه دیگری بیارم
۳	-۴	۶	۳	بچه زیاد حتی اگر از لحاظ مالی هم تأمین باشه، از لحاظ روحی و روانی تأمین نخواهد بود
-۴	۲	-۳	-۴	خودخواهی افراد و تجمل گرایی آن‌ها دلیلی است که فرزند نمی‌آورند
۵	-۶	۳	۲	آن‌هایی که فرزند زیاد دارند، متعهد و متفکر نیستند
۱	-۵	۰	-۱	فرهنگ آدم‌ها بالا رفته است و برای همین فرزند نمی‌خواهند
۰	۲	۱	۷	نیابردن بچه به دلیل اوضاع بی ثبات مالی است
۳	۱	۷	۳	فرزندآوری مسئولیت سنگینی است، نمی‌دانم چرا بعضی‌ها به عنوان سرگرمی به آن نگاه می‌کنند؟
۴	-۳	۱	۰	هیچ مشوق مادی نمی‌تونه من را وادار کنه فرزند بیشتری بیارم
-۴	۳	-۴	-۵	چون جمعیت داره پیر میشه، این مسئولیت اجتماعی ماست که فرزندآوری داشته باشیم

* اختصاص مفهوم به هر عامل از ارزیابی نمره عوامل به هر گزاره و از طریق تحلیل مصاحبه‌ها انجام شده است.

برای مثال یک ایده قوی در مورد این گزاره در عامل اول (فرزندآوری معطوف به اقتصاد) وجود دارد که «فرزندآوری در شرایط نامساعد مالی حماقت است» (این آیتم +۷ گرفته است). همچنین گزاره «نیاوردن بچه به دلیل اوضاع بی ثبات مالی» (نمره +۷ را گرفته است)؛ و یا گزاره «می‌خواهم از نظر اقتصادی فرزندم در رفاه باشد، اینکه خواهر یا برادر نداشته باشد مهم نیست» (نمره +۶ گرفته است).

در عامل دوم (فرزندآوری رفاه طلبانه)، گزاره‌هایی نظیر «نه شرایط اجتماعی و نه فرهنگی و نه شرایط سلامتی برای بچه‌دار شدن مهیا نیست» (نمره +۷)، گزاره «بچه زیاد حتی اگر از لحاظ مالی هم تأمین باشد، از لحاظ روحی و روانی تأمین نخواهد بود» (نمره +۶)، یا گزاره «فرزندآوری مسئولیت سنگینی است، نمی‌دانم چرا بعضی‌ها به عنوان سرگرمی به آن نگاه می‌کنند» (نمره +۷) گرفته‌اند.

در عامل سوم (موافقان فرزندآوری)، گزاره «نداشتن بچه در آینده برای والدین تبدیل به حسرت می‌شود» (نمره +۷)، «داشتن فرزند باعث استحکام بنیان خانواده می‌شود» (نمره +۷)، «در دوران پیری به فرزند نیاز خواهی داشت» (نمره +۶) و «مردم ما ده سال آینده می‌فهمند که دو فرزند کم بوده است» (نمره +۶) را کسب نموده‌اند. در عامل چهارم (مخالفان فرزندآوری)، گزاره «در شرایط کنونی، الزام و ضرورتی برای داشتن بچه نیست» (نمره +۷) گزاره «آدم‌ها تصمیم می‌گیرند بچه‌دار نشوند و یک بدبخت به بدبخت‌ها اضافه نکنند» (نمره +۷) و گزاره «من چطور برای به دنیا آمدن یک انسان تصمیم بگیرم، صرف اینکه خودم احساس مادر/ پدر شدن بکنم» (نمره +۶) گرفته‌اند.

نتایج به دست آمده از آرایه عوامل و تمایز گزاره‌ها در این بخش، راهنمای پژوهشگران در انتخاب عناوین مناسب برای هریک از عامل‌ها یا الگوهای ذهنی شد. بر مبنای نتایج، چهار الگوی ذهنی مسلط و قابل تشخیص از نتایج تحلیل عاملی داده‌ها عبارت بود از:

- الگوی ذهنی فرزندآوری معطوف به اقتصاد (عامل A)؛
- الگوی فرزندآوری رفاه طلبانه (عامل B)؛
- الگوی ذهنی موافقان فرزندآوری (عامل C)؛
- الگوی ذهنی مخالفان فرزندآوری (عامل D).

تعدادی از افراد مشارکت‌کننده نیز جزو هیچ کدام از این چهار الگوی ذهنی قرار نگرفتند. بعد از تعیین تعداد عامل‌ها، بر اساس روش‌های چرخشی باید دید کدام متغیرها (در اینجا افراد) بر روی هریک از عامل‌ها بارگذاری می‌شوند و به آن عامل تعلق می‌گیرند. در تحلیل عامل، یکی از پرکاربردترین روش‌های چرخش، «چرخش واریماکس» است که در این پژوهش نیز به کار گرفته شده است.

بعد از طبقه‌بندی کیو، نوبت به بررسی همبستگی‌ها و به دست آوردن بزرگ‌ترین اشتراکات رسید. در روش‌شناسی کیو، توصیه شده است طبقه‌بندی کیو طوری مشخص گردد که به طور معناداری روی یک عامل خاص بارگذاری شوند. واتس و استتر^۱ (۲۰۱۲) این را تحلیل «گوی چشم»^۲ می‌نامند.

1. Watts and Stenner

2. Eye-ball analysis

جدول شماره ۵: بارعاملی الگوهای ذهنی مرتبط با فرزندآوری

مشارکت‌کنندگان ^۱	عامل A: فرزندآوری معطوف به اقتصاد	عامل B: فرزندآوری رفاه طلبانه	عامل C: موافقان فرزندآوری	عامل D: مخالفان فرزندآوری
مشارکت‌کننده ۱		۰/۷۱۷		
مشارکت‌کننده ۲			۰/۶۸۱	
مشارکت‌کننده ۳		۰/۴۴۳		
مشارکت‌کننده ۴		۰/۴۶۱		
مشارکت‌کننده ۵		۰/۵۲۸		
مشارکت‌کننده ۶			۰/۳۷۴	
مشارکت‌کننده ۷			۰/۶۶۰	
مشارکت‌کننده ۸		۰/۶۰۴		
مشارکت‌کننده ۹			۰/۵۱۰	
مشارکت‌کننده ۱۰		۰/۶۰۹		
مشارکت‌کننده ۱۱	۰/۳۵۱			
مشارکت‌کننده ۱۲	۰/۴۴۷			
مشارکت‌کننده ۱۳		۰/۶۷۶		
مشارکت‌کننده ۱۴			۰/۴۹۹	
مشارکت‌کننده ۱۵			۰/۷۱۵	
مشارکت‌کننده ۱۶	۰/۷۱۰			
مشارکت‌کننده ۱۷ ^۲				
مشارکت‌کننده ۱۸			۰/۷۱۳	
مشارکت‌کننده ۱۹			۰/۶۳۳	
مشارکت‌کننده ۲۰		۰/۶۵۹		
مشارکت‌کننده ۲۱		۰/۶۷۰		
مشارکت‌کننده ۲۲	۰/۳۹۶			

۱. اطلاعات بیشتر در خصوص ماتریس همبستگی بین افراد که نشان‌دهنده شباهت و یا عدم شباهت دیدگاه‌های افراد است و همچنین تمایز و اجماع گزاره‌ها در جای دیگری (شمس قهفرخی، ۱۴۰۱)، به تفصیل بیان شده است.

۲. مشارکت‌کنندگان شماره‌های ۱۷، ۲۶ و ۳۴ زیر هیچ‌کدام از عوامل قرار نمی‌گیرند و تشکیل یک عامل را نیز نمی‌دهند، چراکه نگرش‌های کاملاً متفاوت از هم و متفاوت از چهار عامل استخراج‌شده داشته‌اند و یا اینکه در پاسخ‌های آن‌ها الگوی مشخصی وجود نداشته است.

		۰/۶۶۴		مشارکت کننده ۲۳
			۰/۲۴۰	مشارکت کننده ۲۴
		۰/۴۵۳		مشارکت کننده ۲۵
				مشارکت کننده ۲۶
		۰/۴۲۰		مشارکت کننده ۲۷
		۰/۳۳۵		مشارکت کننده ۲۸
			۰/۳۸۵	مشارکت کننده ۲۹
۰/۶۴۴				مشارکت کننده ۳۰
۰/۶۷۸				مشارکت کننده ۳۱
۰/۶۷۸				مشارکت کننده ۳۲
۰/۷۰۱				مشارکت کننده ۳۳
				مشارکت کننده ۳۴
		۰/۶۶۷		مشارکت کننده ۳۵
			۰/۷۲۱	مشارکت کننده ۳۶
			۰/۷۸۶	مشارکت کننده ۳۷
۰/۶۲				مشارکت کننده ۳۸
			۰/۹۰۰	مشارکت کننده ۳۹
			۰/۷۸۸	مشارکت کننده ۴۰
			۰/۸۴۰	مشارکت کننده ۴۱
			۰/۸۱۸	مشارکت کننده ۴۲
			۰/۸۶۸	مشارکت کننده ۴۳
			۰/۶۵۰	مشارکت کننده ۴۴
			۰/۸۱۷	مشارکت کننده ۴۵
		۰/۷۴۴		مشارکت کننده ۴۶
		۰/۷۵۴		مشارکت کننده ۴۷
			۰/۸۵۵	مشارکت کننده ۴۸
۳/۵۳۷	۵/۷۵۴	۷/۶۰۲	۹/۴۱۹	مجموع مربعات بارهای عاملی
۰/۰۷۴	۰/۱۲۰	۰/۱۵۸	۰/۱۹۶	واریانس نسبی
۰/۵۴۸	۰/۴۷۴	۰/۳۵۵	۰/۱۹۶	واریانس تجمعی

جدول شماره ۵ اطلاعاتی را در مورد «بارهای خالص» یا مشارکت کنندگانی که روی یک عامل خاص بارگذاری می شوند، ارائه می دهد. مشارکت کنندگانی که بیشترین بار را روی یک عامل خاص می گذارند، «نمونه شاخص»^۱ نامیده می شوند؛ زیرا این مشارکت کنندگان به وضوح با این عامل همبستگی دارند (Willis & Jeffares, 2012: 547). این نمونه های شاخص، به پژوهشگر اطلاع می دهند که برای مثال یا نقل قول، به دنبال کدام مشارکت کنندگان خاص باشد.

یافته های تحلیل عامل ارائه شده در جدول شماره ۵، نشان می دهد که چهار گروه از افراد در نمونه حاضر وجود داشتند. عامل A دربرگیرنده ۱۵ فرد است و از ۰/۹۰ تا ۰/۲۴ بارگذاری شده است. عامل B، از ۰/۷۵ تا ۰/۳۳ بارگذاری شده است و عامل سوم، شامل ۷ نفر است که نمرات عامل آن ها از ۰/۷۷ تا ۰/۳۳ است؛ و سرانجام، عامل چهارم شامل ۴ نفر است و بارعاملی آن از ۰/۷۰ تا ۰/۶۴ به دست آمده است. در قسمت انتهایی جدول شماره ۵، شاخص مجموع مربعات بارهای عاملی گزارش شده است. این شاخص برای تعیین مقدار یک عامل ویژه به کار می رود و نشان می دهد که آیا یک عامل ارزش ماندن در تحلیل را دارد یا خیر. مقادیر مجموع مربعات بیشتر از یک، ارزش ماندن را دارند. در مثال ما، هر چهار عامل بیشتر از یک هستند و بنابراین ارزش ماندن در تحلیل را دارند.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش دست یافتن به الگوهای ذهنی رایج در جامعه مورد مطالعه با بهره گیری از روش کیو بود. روش کیو روشی است برای مطالعه نظام مند ذهنیت، دیدگاه، عقاید و نگرش ها. پایه این روش که جنبه های کیفی و کمی دارد، تحلیل عامل بر اساس افراد است. در این مطالعه پس از انجام یک سلسله مصاحبه عمیق، ۷۵ گزاره از مصاحبه ها بیرون کشیده شد. پس از تحلیل گزاره ها به چهار الگوی ذهنی رایج در جامعه مورد مطالعه رسیدیم:

۱. الگوی ذهنی فرزندآوری معطوف به اقتصاد که ۱۵ نفر زیر این عامل قرار می گرفتند. این گروه، فرزندآوری خود را منوط به بهبود شرایط اقتصادی می دانستند. ناامنی های اقتصادی، شرایط تورمی کشور، هزینه بر بودن آموزش و نگرانی از تأمین معیشت خانواده، عواملی بودند که تصمیم به فرزندآوری این افراد را دچار تردید می کرد. درواقع، این افراد تمایل به فرزندآوری داشتند، اما شرایط اقتصادی باید مناسب و تأمین کننده زندگی آن ها باشد. بر اساس مدل های نئوکلاسیک باروری، از آنجاکه فرزند به سادگی قابل جایگزینی نیست، تغییر در درآمد و یا فرصت های اقتصادی که بر روی درآمد تأثیرگذار است، عمدتاً بر تصمیمات باروری تأثیر می گذارد؛ به نحوی که افزایش درآمد خانواده منجر به افزایش باروری می شود (Giuntella et al., 2022).

۲. الگوی ذهنی بعدی، فرزندآوری رفاه طلبانه است. این گروه، شامل ۱۶ نفر با دغدغه های فرزندآوری کیفیت محور، رشد و ارتقای خود پیش از فرزندآوری و آینده اجتماعی و اقتصادی فرزندان بودند. آن ها با این الگوی ذهنی، تصمیمات فرزندآوری خود را در سایه آینده و یا تصورشان از آینده می دیدند. نداشتن

رفاه در حال و نداشتن تصویری از آینده برای دستیابی به رفاهی نسبی، یکی از دلایل افراد با چنین ذهنیتی در مورد فرزندآوری است. از دیگر دغدغه‌های مهم این گروه، نداشتن رفاه آموزشی برای فرزندان و رفاه ذهنی برای خود بود. افزایش آگاهی و همچنین افزایش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به آینده فرزند و افزایش ایدئال‌های ذهنی آن‌ها در مورد فرزندان و خواست فرزند موفق، از دیگر دلایل آن‌ها برای داشتن چنین ذهنیتی در خصوص فرزندآوری است. از آنجاکه فرزندآوری تعهدی بلندمدت برای والدین محسوب می‌شود (Kreyenfeld, 2021)، افراد در تصمیم خود برای داشتن فرزند یا تعداد بیشتر فرزند، عدم قطعیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در نظر می‌گیرند (شمس قهفرخی و همکاران، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱).

رانجان (۱۹۹۹) تأثیر عدم قطعیت اقتصادی درک‌شده^۲ را در روندهای باروری در کشورهای کمونیستی بعد از فروپاشی حکومت‌های کمونیستی بسیار مهم دانست. به بیان موریتا،^۳ تصمیم‌گیری باروری نشان‌دهنده یک تعامل پیچیده بین عوامل فردی و اجتماعی است که با مقاومت در برابر تفسیر ساده تکاملی، نقش ناامنی اقتصادی را در تصمیم‌گیری‌های باروری برجسته می‌کند (Morita, 2018).

تأثیر درک افراد از شرایط اقتصادی و تأثیر آن بر رفتار باروری در پژوهش‌های بسیاری از جمله در کار کرینفلد^۴ (۲۰۱۶)، هافمن و هومیر^۵ (۲۰۱۳) و گوزگور^۶ و همکاران (۲۰۲۱) مورد توجه قرار گرفته است. مدیری و تنها (۱۴۰۱)، به بررسی تأثیر احساس امنیت بر رفتار، ایدئال و قصد فرزندآوری در تهران پرداخته‌اند. بر اساس نظریه ریسک‌گریزی، مردمی که آینده خود را تحت مصیقه اقتصادی، اجتماعی و شخصی بدانند، برای پیشگیری از این خطر تصمیم می‌گیرند فرزند نداشتن باشند و یا فرزند کمتری داشته باشند؛ بنابراین افراد در پاسخ به فقدان حمایت‌های اجتماعی تصمیم به داشتن فرزند کمتر می‌گیرند.

بر اساس نظریه «کمیت-کیفیت فرزند» بکر، خانوارها با چالش چگونگی ایجاد تعادل بین تعداد فرزند و کیفیت فرزند مواجه‌اند (Becker, 1960). بکر و لوئیس در مدل کمیت-کیفیت باروری، معتقدند سه کالای تعداد فرزندان، کیفیت فرزندان و سایر کالاها، به خانواده مطلوبیت می‌دهد. برای خانواده، فرزندان کالای مصرفی بادوام هستند که جانشین نزدیکی برای آن‌ها وجود ندارد. درآمد تأثیر کمی بر تعداد فرزند دارد و بیشتر بر کیفیت فرزند تأثیر می‌گذارد (Bekcer & Lewis, 1973). کیفیت فرزند به‌طور تجربی به‌وسیله آموزش، سلامت، درآمد و ثروت آن‌ها اندازه‌گیری می‌شود (درویشی و نامداری، ۱۳۹۹).

همان‌طور که از یافته‌های این پژوهش به‌دست آمده است، افراد دارای الگوی ذهنی رفاه‌طلبانه، رفاه و عدالت آموزشی، وضعیت بهداشت و سلامت روحی و جسمی فرزند را مهم می‌دانند و کیفیت را بر کمیت ترجیح می‌دهند. به باور آن‌ها تعداد بیشتر فرزند بر کیفیت فرزند تأثیر می‌گذارد. در دنیای رقابتی مدرن، والدین ارزش بیشتری به سرمایه‌گذاری برای فرزند قائل می‌شوند و به همین دلیل هدفشان داشتن تعداد کمتر فرزند با کیفیت بالا است. همچنین والدین موقعیت اقتصادی اجتماعی بالاتری را برای خود حفظ می‌کنند

1. Ranjan
2. Perceived Economic Uncertainty on Fertility
3. Morita
4. Kreyenfeld
5. Hofmann & Hohmeyer
6. Gozgor

تا بدین وسیله سرمایه سطح بالاتری برای فرزند خود تأمین کنند (Morita 2017). علاوه بر این، با توجه به تئوری انتخاب عقلانی افراد در تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند، محاسبه می‌کنند که آیا سود یک فرزند اضافی بیشتر از هزینه‌های آن است؟ اگر هزینه اقتصادی کودکان افزایش یابد، برخی از آستانه‌های روانی فردی رد می‌شود و تصمیم به عدم داشتن فرزند (دیگر) گرفته می‌شود. افراد با این الگوی سنی فرزندآوری را در شرایط فعلی عقلانی نمی‌دانستند.

۳. سومین الگوی ذهنی، مربوط به موافقان فرزندآوری (شامل ۷ نفر از مشارکت‌کنندگان) بود. در دو الگوی ذهنی پیشین نیز موافقت با فرزندآوری وجود داشت؛ اما تحت شرایط و با پیش‌فرض‌های مشخص. این الگوی ذهنی متعلق به کسانی است که بدون هیچ قید و شرطی فرزندآوری دارند و تمایلشان به داشتن تعداد فرزندان بیشتر است. این علاقه یا برآمده از تمایلات شخصی و عوامل روان‌شناختی آن‌ها و یا اعتقادات مذهبی ایشان است. به بیان هی‌فورد و مورگان^۱ (۲۰۰۸)، میزان باروری واقعی و تمایل به فرزنددار شدن در زنان معتقد به اهمیت دین در زندگی روزمره، بیشتر از کسانی است که معتقدند دین مهم نیست و یا اهمیت کمتری دارد (Hayford & Morgan 2008). بودین^۲ (۲۰۱۵) در مقاله‌ی مذهب و باروری رابطه‌ی معنی‌داری بین دین و باروری یافته است (Baudin 2015). بر اساس تحلیل مصاحبه‌ها و طبقه‌بندی انجام‌شده، افراد دارای اعتقادات مذهبی قوی‌تر، فرزندآوری را وظیفه‌ی دینی و اجتماعی خود می‌دانستند.

۴. الگوی بعدی مربوط به الگوی ذهنی مخالفان فرزندآوری بود. از آنجاکه خانواده‌های ایرانی در راستای فرهنگ ایرانی-اسلامی تمایل به داشتن فرزند دارند، در این پژوهش نیز تعداد اندکی از مشارکت‌کنندگان در این الگوی ذهنی قرار گرفته‌اند. این افراد ویژگی‌های فردگرایانه و آزادی‌طلبانه داشتند و فرزندآوری را عقلانی نمی‌دانستند. هرچند تمایل به بی‌فرزندی در کشور بر اساس تحقیقات پیشین (بگی، ۱۴۰۰؛ منتظری، ۱۳۹۵) در سطح پایینی قرار دارد؛ با این حال توجه به این الگوی ذهنی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به منظور تشویق به فرزندآوری ضروری است.

شناسایی الگوهای ذهنی در خصوص فرزندآوری، امکان شناخت نگرش‌های مختلف موجود در جامعه را به سیاست‌گذار می‌دهد تا سیاست‌های آگاهانه، مؤثرتر و همسو با دیدگاه‌های مختلف مردم در این زمینه به کار گیرد. وجود «الگوهای ذهنی باروری معطوف به اقتصاد» و «الگوهای ذهنی باروری رفاه‌طلبانه» که اهمیت نسبی بیشتری در جامعه مورد بررسی داشت، بیانگر نقش برجسته عوامل اجتماعی-اقتصادی در شکل‌دادن به نقشه‌ی ذهنی افراد و تصمیم‌گیری آنان برای فرزندآوری است. این الگوهای ذهنی، از برهمکنش متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و تحولات ارزشی و نگرشی شکل گرفته‌اند. نتایج برهمکنش متغیرهای اقتصادی-اجتماعی با تغییرات ارزشی و نگرشی در جامعه ایران در دهه‌های اخیر بر رفتارهای جمعیتی در سطح خرد و کلان تعیین‌کننده بوده است. بر پایه برخی تحقیقات جمعیتی (صباغچی و همکاران، ۱۳۹۶؛ عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۹۵)، در سالیان اخیر، متغیرهای فرهنگی و نگرشی نسبت به برخی مشخصه‌های فردی و عوامل زمینه‌ای، اهمیت بیشتری در تبیین تغییرات رفتارهای جمعیتی خانواده در ایران داشته‌اند. مطابق یافته‌های این گروه از پژوهش‌ها، در سالیان اخیر و مقارن با تحولات اقتصادی-

1. Hayford & Morgan

2. Baudin

اجتماعی جامعه ایران، تغییرات ارزشی و فرهنگی در زندگی فردی و خانوادگی ایرانیان در حال گسترش است. درعین حال، پابندی به برخی از ارزش‌ها و ایدئال‌های مرتبط با خانواده و ازدواج، هم‌زمان بسیار نیرومند و پابرجاست (عسکری‌ندوش و همکاران، ۱۳۸۸). درنتیجه، نوعی وجود هم‌زمان پابندی به ارزش‌ها و ایدئال‌های مرتبط با خانواده و ازدواج از یکسو و تغییرات نوظهور ارزش‌های مرتبط با فردگرایی و خودتحقق‌بخشی از سوی دیگر اتفاق افتاده است. در این شرایط، افراد ضمن حفظ پابندی خود به نهاد خانواده، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی زندگی خود را در ابعاد و زمینه‌های گوناگون با استقلال‌خواهی و آزادی‌طلبی بیشتری دنبال می‌کنند.

بنا بر آنچه بیان شد، اجرای سیاست‌های موفق فرزندآوری، مستلزم پذیرش این سیاست‌ها از سوی عموم است. درک الگوهای ذهنی جامعه به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا سیاست‌هایی با احتمال بیشتر پذیرش عمومی را طراحی کنند. یادآور می‌شود، این تحقیق مطالعه‌ای اکتشافی و اولیه است و تحقیقات بعدی و مطالعات عمیق‌تر در این زمینه، می‌تواند مکمل سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد باشد. شایسته است سیاست‌گذاران با شناسایی الگوهای ذهنی مخالف فرزندآوری و تلاش هدفمند برای تغییر ادراکات یا فراهم کردن منابع برای رسیدگی به مسائل مطرح‌شده، نگرانی‌ها یا موانع موجود را برطرف کنند.

منابع

- آقایی‌هیر، توکل؛ فرخی‌نگارستان، مینا و لطیفی‌مجزه، سیده‌صدیقه (۱۳۹۵). «فرزندآوری به مثابه مخاطره» (مطالعه کیفی زمینه‌های کم‌فرزندگی در شهر تبریز). مطالعات راهبردی زنان، ۷۳، ۳۳-۷.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بگی، میلاد (۱۴۰۰). تمایل به بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی در میان زوجین تازه ازدواج‌کرده در ایران. پایش، ۲۱(۱)، ۶۹-۷۹.
- حسینی، حاتم و بگی، بلال (۱۳۹۳). تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی همدان (۱۳۹۱). ماهنامه علمی و پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ۱۸(۱)، ۳۵-۴۳.
- خلیج‌آبادی‌فراهانی، فریده و سربایی، حسن (۱۳۹۱). قصد تک‌فرزندگی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان دارای یک فرزند کمتر از ۵ سال ساکن تهران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۷(۱۳)، ۲۹۱-۲۵۶.
- درویشی، باقر و نامداری، لیدا (۱۳۹۹). آزمون مدل کمیت-کیفیت فرزندان در خانواده‌های شهری ایران. پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) ۲۰ (۳)، ۱۸۸-۱۶۷.
- سربایی، حسن (۱۳۹۴). بازتولید جمعیت ایران: وضع موجود و ملاحظات برای سیاست‌گذاری، فصلنامه علوم اجتماعی. ۲۲(۶۸)، ۱-۳۵.
- شمس‌قهرخی، فریده (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان و الگوهای ذهنی شهروندان عادی در حوزه فرزندآوری و دلالت‌های سیاستی آن در ایران. رساله دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.
- شمس‌قهرخی، فریده؛ عسکری‌ندوش، عباس؛ عینی‌زیناب، حسن؛ روحانی، علی و عباسی‌شوازی، محمدجلال (۱۴۰۰). چالش‌های اجرای سیاست‌های تشویقی فرزندآوری: مطالعه‌ای کیفی در شهر اصفهان. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۶(۳۲)، ۷۹-۱۱۲.

- شمس قهفرخی، فریده؛ عسکری ندوشن، عباس؛ عینی زیناب، حسن؛ روحانی، علی و عباسی شوازی، محمدجلال (۱۴۰۱). در دوراهی تصمیم به فرزندآوری: واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی. ۳۳(۴)، ۲۸-۱.
- صادقی، حنا و سربایی، حسن (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۲۷)، ۳۲-۱.
- عباسی شوازی، محمدجلال و حسینی، حاتم (۱۳۸۸). تفاوت‌های قومی باروری در ایران: روندها و عوامل مؤثر بر آن. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۸(۴)، ۳۶-۳.
- عباسی شوازی، محمدجلال؛ حسینی چاوشی، میمنت؛ بنی‌هاشمی، فریبا؛ فتحی، الهام؛ میرزایی، صفیه و همکاران (۱۳۹۹). تحولات باروری در ایران از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۵. تهران: پژوهشکده آمار.
- صباغچی، مرجان؛ عسکری ندوشن، عباس و ترابی، فاطمه (۱۳۹۶). عوامل تعیین‌کننده نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در شهر یزد. مطالعات جمعیتی، ۳(۱)، ۱۶۲-۱۳۱.
- عسکری ندوشن، عباس؛ عباسی شوازی، محمدجلال و پیری محمدی، مریم (۱۳۹۵). سن ایدئال ازدواج و عوامل تعیین‌کننده آن در شهر یزد. مطالعات راهبردی زنان، ۱۹(۷۳)، ۶۳-۳۵.
- <http://doi.org/10.22095/jwss.2016.44383>
- عسکری ندوشن، عباس؛ عباسی شوازی، محمدجلال و صادقی، رسول (۱۳۸۸). مادران، دختران و ازدواج: تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد. مطالعات راهبردی زنان. ۱۱(۴۴)، ۲۷-۱.
- <https://doi.net/dor/20.1001.1.20082827.1388.11.0.2.5>
- مدیری، فاطمه و تنها، فاطمه (۱۴۰۱). تأثیر احساس امنیت بر رفتار، ایدئال و قصد فرزندآوری در تهران. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۴(۴)، ۱۱۵-۹۳.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۰). محاسبه باروری کل با روش مستقیم با منابع مختلف داده به تفکیک استان ۹۹-۱۳۹۵. دسترسی آنلاین (۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۱) از: https://amar.org.ir/Portals/0/Files/baravord/Mizan_Bar-vari_Ostan_13961400.pdf?ver=8L3XS9hgdDrpKqSX1953WA%3d%3d
- منتظری، علی (۱۳۹۵). بررسی میزان تمایل به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم شهری و روستایی ایران. پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی معاونت پژوهش و فناوری.
- Aassve, A., Sironi, M., & Bassi, V. (2013). Explaining attitudes towards demographic behaviour. *European Sociological Review*, 29(2), 316-333.
- Abbasi Shavazi, M. J., Philip Morgan, S., Hossein Chavoshi, M., & McDonald, P. (2009). Family change and continuity in Iran: Birth control use before first pregnancy. *Journal of Marriage and Family*, 71(5), 1309-1324.
- Abbasi-Shavazi, M.J., McDonald, P., and Hosseini-Chavoshi, M. (2009). The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction, Springer.
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior, *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50 (2), 179-211.
- Baudin, T. (2015). Religion and fertility: The French connection. *Demographic Research*, 32, 397-420.
- Becker, G. S. (1960). Underinvestment in college education?, *The American Economic Review*, 50(2), 346-354.
- Becker, G. (1991). *A Treatise on the Family*, Enlarged Edition, Harvard University Press,

Cambridge.

- Becker, G. S., & Lewis, H. G. (1973). On the Interaction between the Quantity and Quality of Children. *Journal of political Economy*, 81(2, Part 2), S279-S288.
- Bellani, D., Arpino, B., & Vignoli, D. (2021). Time preferences and fertility. *Demographic Research*, 44, 1185-1228.
- Brown, S. (1980). *Political Subjectivity: Applications of Q Methodology in Political Science*. New Haven: Yale University Press.
- Brown, S. R. (1993). A primer on Q methodology. *Operant Subjectivity*, 16(3/4), 91-138.
- Brown, S. R. (2005). Applying Q methodology to empowerment. *Measuring Empowerment: Cross-Disciplinary Perspectives*, 197-215.
- Butz, W. P., & Ward, M. P. (1979). Will US fertility remain low? A new economic interpretation. *Population and Development Review*, 663-688.
- Caldwell, J. C. (2004). Fertility control in the classical world: Was there an ancient fertility transition?. *Journal of Population Research*, 21(1), 1-17.
- Dommermuth, L., Klobas, J., & Lappegård, T. (2015). Realization of fertility intentions by different time frames. *Advances in Life Course Research*, 24, 34-46.
- DeWeese, B. H. (2012). *Defining the constructs of expert coaching: A Q-methodological Study of Olympic Sport Coaches*. North Carolina State University.
- Giuntella, O., Rotunno, L., & Stella, L. (2022). Globalization, Fertility and Marital Behavior in a Lowest-Low Fertility Setting (No. w30119). National Bureau of Economic Research.
- Gozgor, G., Bilgin, M. H., & Rangazas, P. (2021). Economic uncertainty and fertility. *Journal of Human Capital*, 15(3), 373-399.
- Hanushek, E. A. (1992). The trade-off between child quantity and quality. *Journal of Political Economy*, 100(1), 84-117.
- Hayford, S. R., & Morgan, S. P. (2008). Religiosity and fertility in the United States: The role of fertility intentions. *Social Forces*, 86(3), 1163-1188.
- Hofmann, B., & Hohmeyer, K. (2013). Perceived economic uncertainty and fertility: Evidence from a labor market reform. *Journal of Marriage and Family*, 75(2), 503-521.
- Keskin, F., & Çavlin, A. (2022). Cohort fertility heterogeneity during the fertility decline period in Turkey. *Journal of Biosocial Science*, 1-16.
- Kreyenfeld, M. (2016). Economic uncertainty and fertility. In *Social demography forschung an der schnittstelle von soziologie und demografie* (pp. 59-80). Springer VS, Wiesbaden.
- Kreyenfeld, M. (2021). Causal Modelling in Fertility Research: A Review of the Literature and an Application to a Parental Leave Policy Reform. *Comparative Population Studies*, 46.
- Le Moglie, M., Mencarini, L., & Rapallini, C. (2015). Is it just a matter of personality? On the role of subjective well-being in childbearing behavior. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 117, 453-475.
- Lesthaeghe, R. (2010). The unfolding story of the second demographic transition. *Population and Development Review*, 36(2), 211-251.
- Lesthaeghe, R. (2020). "The Second Demographic Transition, 1986-2020: Sub-Re-

- placement Fertility and Rising Cohabitation—a Global Update.” *Genus* 76: 10.
- Lesthaeghe, R., & Surkyn, J. (2012). When History moves on: Foundations and Diffusion of a Second Demographic Transition, In: Jayakody, R. Thorton, A., & Axinn, W. (eds): *International Family Change: Ideational Perspectives*, (pp. 81–118), Springer.
 - Mahmood, N. (2005). Assessment of fertility behaviour change in the sociocultural context of Pakistan: Implications for the population programme. *Asia-Pacific Population Journal*, 20(1), 13-36.
 - McDonald, P. (2000). Low fertility in Australia: evidence, causes and policy responses. *People and Place*, 8(2), 6-21.
 - Mincer, J. (1963). Market prices, opportunity costs, and income effects. *Measurement in Economics*, 67-82.
 - Morita, M. (2018). Demographic studies enhance the understanding of evolutionarily (mal) adaptive behaviors and phenomena in humans: a review on fertility decline and an integrated model. *Population Ecology*, 60(1), 143-154.
 - Netemeyer, R. G., Bearden, W. O., & Sharma, S. (2003). *Scaling Procedures: Issues and Applications*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications. <https://doi.org/10.4135/9781412985772>
 - Ramlo, S. E., & Newman, I. (2011). Q-methodology and its position in the mixed methods continuum. *Operant Subjectivity*, 34(3), 172-191.
 - Schoen, R., Astone, N.M., Kim, Y.J., Nathanson, C.A., & Fields, J.M. (1999). Do fertility intentions affect fertility behavior?, *Journal of Marriage and the Family* 61, 790-799.
 - Söderberg, M., Lundgren, I., Christensson, K., & Hildingsson, I. (2013). Attitudes toward fertility and childbearing scale: an assessment of a new instrument for women who are not yet mothers in Sweden. *BMC Pregnancy and Childbirth*, 13(1), 1-8.
 - Stenner, P., Watts, S., & Worrell, M. (2008). Q methodology. In: Carla Willig & Wendy Stainton Rogers (eds), *The SAGE Handbook of Qualitative Research in Psychology*, (pp: 215-239), SAGE Publications Ltd.
 - Van de Kaa, D.J. (2001). Postmodern fertility preferences: from changing value orientation to new behavior, *Global Fertility Transition, Population and Development Review*, 27(Supplement), 290-331.
 - Van de Kaa, D. J. (1987). Europe’s second demographic transition. *Population Bulletin*, 42(1), 1-59.
 - Van de Kaa, D. J. (2002). The idea of a second demographic transition in industrialized countries. *Birth*, 35, 45.
 - Van Exel J, de Graaf G. (2005). Q methodology: a sneak preview. Available from <http://qmethod.org/articles/vanExel.pdf> (accessed January 15, 2023).
 - Willis, M., & Jeffares, S. (2012). Four viewpoints of whole area public partnerships. *Local Government Studies*, 38(5), 539-556.